

## جایگاه حقوقی دستورالعمل سانرمو از منظر حقوق بین الملل عمومی

بهزاد سیفی\*

### چکیده

دستورالعمل سانرمو علیرغم اینکه یک سند الزام آور نیست، تلاش داشته است تا بازنگری معاصر از حقوق بین الملل قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه در دریا به عمل آورد. دستورالعمل مذکور به منظور جلوگیری از به فراموشی سپرده شدن قواعد پیشین و ایجاد تفسیرهای مختلف از این قواعد، کوشیده است قواعد حقوق جنگ دریایی را متناسب با تحولات حقوق بین الملل بازنگری کند؛ اما جایگاه حقوقی دستورالعمل سانرمو در حقوق بین الملل و اعتبار آن در بین حقوق دانان و دولت‌ها مبهم بوده و اختلاف‌هایی نیز در مورد آن وجود دارد. از این رو هدف این مقاله سنجش اعتبار دستورالعمل سانرمو از دو منظر حقوق بین المللی عرفی و حقوق نرم است؛ بنابراین با توجه به محتوای دستورالعمل و با عنایت به اینکه دستورالعمل مذکور توسط کارشناسان حقوقی و دریایی تدوین شده است، نگارنده در پی پاسخ به این سؤال است که در صورت تلقی دستورالعمل سانرمو به عنوان منبع حقوق مخاصمه مسلحانه دریایی، دستورالعمل مذکور در کدام دسته از منابع قرار می‌گیرد، حقوق نرم یا حقوق بین الملل عرفی؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که محتوای دستورالعمل سانرمو علاوه بر اینکه در بخش‌های سنتی دارای اعتبار حقوق عرفی است، در زمینه‌هایی که در حوزه حقوق جنگ دریایی دارای نوآوری است، نیز دارای اعتبار حقوق نرم است. همچنین در چند سال اخیر دستورالعمل سانرمو تا حدود زیادی توسط کشورها و نهادهای بین المللی مورد استناد واقع شده است.

**واژگان کلیدی:** جنگ دریایی، حقوق نرم، دستورالعمل، سانرمو، عرف.

\* استادیار حقوق بین الملل دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) نوشهر، نوشهر، ایران.

## سرآغاز

اساساً، حقوق جنگ دریایی به اندازه حقوق جنگ زمینی مدنظر واقع نشده است و هیچ تدوین هم‌عرضی برای اعمال اصول کلی جنگ زمینی بر جنگ دریایی وجود ندارد. در واقع قواعد جنگ دریایی، علیرغم تغییرات گسترده در فن‌آوری‌های کشتیرانی و نیروی دریایی در یک قرن و نیم گذشته، تاکنون پابرجا بوده است. حقوق جنگ دریایی تا حد زیادی در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در قالب اسناد بین‌المللی تنظیم شده است. اعلامیه‌ها و معاهداتی که پیکره اصلی حقوق جنگ دریایی را تشکیل می‌دهند، عمدتاً در کنفرانس‌های صلح ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه به امضا رسیده‌اند (سیفی و شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۸: ۷۰). در سال ۱۹۰۷ تعداد هشت کنوانسیون در خصوص موضوع‌های مختلف جنگ دریایی به تصویب رسید که بخش زیادی از محتوای این کنوانسیون‌ها دارای ماهیت حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی هستند. بعد از کنفرانس‌های صلح لاهه دو تلاش بین‌المللی مهم در وین صورت گرفت: اول اعلامیه لندن بود که به‌وسیله کنفرانس دریایی لندن در ۲۶ فوریه ۱۹۰۹ با عنوان اعلامیه مربوط به حقوق جنگ دریایی پذیرفته شد. دومین تلاش بین‌المللی نیز که دستورالعمل حقوق جنگ دریایی آکسفورد<sup>۱</sup> به عنوان یک کد غیر الزام‌آور بود، به‌وسیله انستیتوی حقوق بین‌المللی در ۹ اوت ۱۹۱۳ تهیه شد. علاوه بر این، در رابطه با حقوق جنگ دریایی، می‌توان به کنوانسیون ۱۹۱۰ لاهه در مورد ایجاد یک دادگاه غنائم دریایی، معاهده واشنگتن ۱۹۲۲ و پروتکل ۱۹۳۰ لندن مربوط به زیردریایی‌ها و کنوانسیون ۱۹۲۸ هاوانا در مورد بی‌طرفی دریایی اشاره کرد (Jurídicas, 2010: 10). همچنین در سال ۱۹۳۶، پروتکل لندن منعقد شد که قواعد مربوط به کشتی‌های سطحی را با برخی پارامترهای مختلف بر زیردریایی‌ها اعمال کرد.

پس از جنگ جهانی دوم، حقوق بین‌الملل به‌طور عام و جنگ دریایی به‌طور خاص شاهد تحولات فراوانی بوده است. شیوه‌ها و ابزارهای جنگ دریایی در اثر تحولات جامعه بین‌الملل و پیشرفت فن‌آوری تغییر یافته که این امر به‌وضوح بر مشروعیت به‌کارگیری آن‌ها تأثیر گذاشته است؛ به‌گونه‌ای که برخی معتقدند «عدم توانایی قواعد کنوانسیون‌های لاهه در خصوص کاهش شمار قربانیان مخاصمات دریایی در طول دو جنگ جهانی آشکار است. علاوه بر این با پیشرفت

1. Manual of the Laws of Naval War, Oxford, Adopted by the International Institute of International Law, August 9, 1913.

فن‌آوری در گذر زمان، این قواعد تا حدودی قدیمی (منسوخ) شده‌اند» (Sassòli, Bouvier & Quintin, 2010: 2). در سال ۱۹۴۹ کنوانسیون دوم ژنو در مورد بهبود وضعیت مجروحین، بیماران و مغروبین اعضای نیروهای مسلح در دریا جایگزین کنوانسیون دهم لاهه ۱۹۰۷ شد. پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ نیز، علاوه بر جنگ‌های زمینی تا حدودی در مورد جنگ‌های دریایی به کار برده می‌شود. بر اساس بند ۳ ماده ۴۹ پروتکل اول، مقررات بخش اول (مواد ۶۷-۴۸) «بر هرگونه جنگ زمینی، هوایی یا دریایی که ممکن است بر جمعیت غیرنظامی، افراد نظامی یا اهداف غیرنظامی واقع در خشکی تأثیر بگذارد، اعمال می‌شود. این قواعد بر کلیه حملات از دریا یا از هوا علیه اهداف واقع در خشکی، اعمال می‌شود».

با این حال، از آنجا که تدوین قواعد حقوق جنگ دریایی قبل از جنگ‌های جهانی دوم، تصویب منشور ملل متحد، عدم توجه کنوانسیون‌های تصویری در ارتباط با حقوق مخاصمات مسلحانه به حوزه مخاصمه دریایی، نگرانی از به فراموشی سپرده شدن قواعد پیشین و تفسیرهای متنوع از آن‌ها منجر به این شد که در سال ۱۹۸۷ یک سری نقدها بر کنوانسیون‌های مرتبط با جنگ دریایی از سوی مؤسسه بین‌المللی حقوق بشردوستانه سانرمو وارد شود که پس از چند دیدار جدی بین کارشناسان نظامی نیروی دریایی و حقوق‌دانان بین‌المللی در حوزه دریا و با همکاری سازمان جهانی صلیب سرخ در سال ۱۹۹۴ دستورالعمل سانرمو را ایجاد کنند. دستورالعمل مذکور یک سند الزام‌آور نیست، ولی بازنگری معاصر از حقوق بین‌الملل قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه در دریا به عمل آورد (Kalshoven, 2011: 27).

با این وجود، جایگاه حقوقی دستورالعمل سانرمو در حقوق بین‌الملل و اعتبار آن در بین حقوق‌دانان و دولت‌ها مبهم بوده و اختلافاتی نیز در مورد آن وجود دارد. از این‌رو هدف این مقاله سنجش اعتبار دستورالعمل سانرمو از دو منظر حقوق بین‌المللی عرفی و حقوق نرم است؛ بنابراین با توجه به محتوای دستورالعمل و با عنایت به اینکه دستورالعمل مذکور توسط کارشناسان حقوقی و دریایی تدوین شده است، نگارنده در پی پاسخ به این سؤال است که در صورت تلقی دستورالعمل سانرمو به‌عنوان منبع حقوق مخاصمه مسلحانه دریایی، دستورالعمل مذکور در کدام دسته از منابع قرار می‌گیرد، حقوق نرم یا حقوق بین‌الملل عرفی؟ در این مختصر سعی بر آن است تا ضمن پاسخ به سؤال مذکور در سه قسمت به بررسی دستورالعمل سانرمو و اعتبار سایر اسناد جنگ دریایی، حقوق نرم و نقش دستورالعمل‌های حقوقی در توسعه حقوق

مخاصمه مسلحانه و جایگاه حقوقی دستورالعمل سانرمو در منابع حقوق بین‌الملل از منظر حقوق نرم و حقوق عرفی بپردازیم.

### ۱. دستورالعمل سانرمو و اعتبار سایر اسناد جنگ دریایی

دستورالعمل سانرمو توانست منجر به ایجاد یک ساختار باثبات و آمادگی مؤسسات حقوقی به‌منظور توسعه حقوق جنگ دریایی شود. پیشینه تدوین دستورالعمل به سال ۱۹۸۰ برمی‌گردد، به‌ویژه پس از کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد حقوق دریاها و تکمیل کتابچه راهنمای فرمانده نیروهای ایالات متحده در عملیات دریایی در سال ۱۹۸۷ و کتابچه راهنمای بریتانیا در مورد حقوق مخاصمه مسلحانه مشخص شد، اختلافی بین چارچوب قدیمی قواعد حاکم بر عملیات دریایی و دولت‌ها وجود دارد. در نتیجه گروهی از وکلای بین‌المللی، محققان و افسران نیروی دریایی از ۲۴ کشور، کار را بر روی قواعد و حقوق حاکم بر جنگ دریایی آغاز کردند (Jonsson, 2008: 19). دستورالعمل سانرمو بازگویی معاصر همراه با برخی از توسعه‌های تدریجی از حقوق قابل‌اعمال بر درگیری‌های مسلحانه در دریا است. البته برخی معتقدند دستورالعمل سانرمو در برخی از جنبه‌ها مانند موشک و اژدرهای دریایی و مناطق ممنوعه دریایی از شفافیت لازم برخوردار نیست، این فقدان شفافیت حقوقی می‌تواند سرانجام پیشرفت ویژه‌ای که انتظار می‌رفت از آن به دست آید را کنار بگذارد (Heinegg, 2006: 270).

مفاد دستورالعمل سانرمو متشکل از شش بخش و ۱۸۳ پاراگراف است. قسمت اول، تحت عنوان «مقررات عمومی»، کلیات را تحت پوشش قرار می‌دهد و دامنه استفاده از حقوق جنگ دریایی، تأثیر منشور سازمان ملل متحد، قلمروهای دریایی که در آن عملیات نظامی ممکن است انجام شود و همچنین اصطلاحات مورد استفاده را تعریف می‌کند. در قسمت دوم، «مناطق عملیات»، قواعد قابل اجرا در مورد طرفین درگیر و بی‌طرف در مناطق مختلف دریایی را تعیین می‌کند؛ یعنی آب‌های داخلی، دریای سرزمینی و آب‌های مجمع‌الجزایری؛ تنگه بین‌المللی و خطوط دریایی مجمع‌الجزایری؛ منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره و درنهایت، دریای آزاد و بستر فراتر از صلاحیت ملی را تنظیم می‌کند.

قسمت سوم که «قوانین عمومی و تفکیک هدف» را مدنظر قرار می‌دهد، طولانی‌ترین بخش بوده و اصول اساسی حقوق بشردوستانه بین‌المللی را مشخص کرده، به‌طور معمول آن را

با حقوق قابل اعمال بر جنگ زمینی همراه کرده است، در حالی که شرکت کنندگان تصورشان مبتنی بر حقوق مختصه مسلحانه قابل اجرا در دریا است. این بخش پس از شرح دادن اینکه حق متخاصمین در انتخاب ابزار و روش‌های جنگی نامحدود نیست، به تکرار قواعد اساسی اصل تمایز، از جمله ممنوعیت حملات بی‌ملاحظه، قاعده منع استفاده از سلاح‌هایی که باعث درد و رنج غیرضروری یا آسیب اضافی می‌شوند، ضرورت اتخاذ اقدام‌های احتیاطی و توجه به محیط‌زیست می‌پردازد. ادامه قسمت سوم شامل بخش هشدارها در حمله، کشتی‌های دشمن و هواپیماهای مورد حمایت و معاف از حمله، کشتی‌های دشمن و یا بی‌طرف و یا هواپیماهایی که ممکن است در معرض حمله قرار گیرند و مراقبت‌های ویژه با توجه به هواپیماهای غیرنظامی است.

بخش چهارم با عنوان «روش‌ها و ابزارهای جنگ در دریا»؛ شامل قواعد استفاده از سلاح‌های خاص (موشک و سایر پرتابه‌ها، اژدر، مین)، قواعد قابل اجرا در مورد محاصره و مناطق ممنوعه، فریب، خیانت و نیرنگ در جنگ دریایی است. بخش پنجم نیز، اقدام‌های کوتاه‌مدت در حمله - رهگیری، بازدید، جستجو، انحراف و تصرف است، شامل هفت قسمت است که موضوع‌های زیر را پوشش می‌دهد: تعیین انواع کشتی‌ها و هواپیماهای دشمن؛ بازدید، جستجو و انحراف مسیر کشتی‌های تجاری. رهگیری، بازدید، جستجو و انحراف مسیر هواپیماهای کشوری؛ تصرف کشتی، هواپیما غیرنظامی و کالاهای دشمن و یا بی‌طرف. در نهایت بخش ششم نیز، در مورد «افراد حمایت شده، حمل و نقل پزشکی و حمل و نقل هوایی» است، دستورالعمل تلاش نمی‌کند که مقررات دقیق‌تری از کنوانسیون دوم ژنو و پروتکل الحاقی اول در این دسته‌بندی‌ها قرار دهد و بیشتر به تکرار پرداخته، اما به‌جای مشخص بودن آن‌ها قواعد دقیق قابل اجرا باقی می‌ماند و در ادامه نشان می‌دهد برخی از قواعد اضافی تا حد زیادی مبتنی بر تحولات اخیر هستند؛ اما یکی از مباحثی که قبل از هر چیز اعتبار دستورالعمل سانرمو را با ابهام مواجه می‌کند وجود و اسناد مرتبط با جنگ دریایی است که لازم است اعتبار آن‌ها را در پرتو دستورالعمل سانرمو مورد بررسی قرار دهیم.

حقوق جنگ دریایی عمدتاً زمانی تدوین شده است که کاربرد زور در روابط بین‌المللی

ممنوع نبود. از این رو، این تغییرات در عرصه بین‌الملل موجب بروز اختلاف‌نظرهایی در خصوص اعتبار قواعد جنگ دریایی به ویژه حقوق قراردادی جنگ دریایی شده است. در واقع یک اختلاف‌نظر بین کسانی که بر این باورند، این وقایع موجب ابطال تدوین‌های قبلی شده است و نیز کسانی که بر این باورند علیرغم تغییرهایی رخ داده، تدوین‌های گذشته هنوز هم معتبر است، وجود دارد. گروه اول از حقوقدانان بین‌المللی معتقدند، ممنوعیت عمومی درباره توسل به زور در منشور ملل متحد تنها زمانی قابلیت اعمال دارد که در غالب اقدامی نشأت گرفته از تصمیم‌های شورای امنیت یا حق دفاع مشروع باشد. اما بر مبنای نظریه دوم، حتی اگر نظر کلی بر این باشد که حقوق جنگ دریایی، به میزان قابل توجهی در طول ۱۰۰ سال گذشته تغییر کرده باشد، چنانچه عملاً درگیری‌های مسلحانه‌ای رخ دهد، هنوز هم معتبر است. نظر نویسندگان کتابچه فرماندهی نیروی دریایی آمریکا همانند تکرار ممنوعیت جنگ در منشور سازمان ملل متحد است، اما هنوز هم قواعد حاکم بر رفتار جنگ دریایی را به رسمیت می‌شناسد. بیان این دیدگاه که حقوق بشردوستانه و حقوق توسل به زور باید در پرتو منشور ملل متحد مدنظر قرار گرفته شوند و در نتیجه هرگونه توسل به زور باید مطابق با شرایط دفاع مشروع باشد و یا در غیر این صورت توسط شورای امنیت الزام شده باشد، منجر به نادیده انگاشتن قواعد خاص جنگ دریایی نمی‌شود (Jonsson, 2008: 16). نمونه از این مقررات، قواعد مربوط به بی‌طرفی در جنگ دریایی است که عموماً تابع حقوق عرفی است. در سال‌های اخیر نهاد بی‌طرفی مورد تردید واقع شد، به این دلیل که منشور ملل متحد عملاً آن را منسوخ کرده است. اما «جنگ تحمیلی عراق علیه ایران» نشان داد که حقوق بی‌طرفی همچنان از اهمیت خاصی برخوردار است، هرچند که در مورد محتوای دقیق آن شک و تردید وجود دارد (گرین‌وود، ۱۳۸۷: ۳۴-۳۳).

عوامل مطرح شده تا حدودی منجر به نگرانی در مورد عدم قطعیت اعمال محتوای حقوق بین‌الملل معاصر بر درگیری‌های مسلحانه در دریا می‌شود. اما به نظر می‌رسد، برای پاسخ‌گویی به این موضوع که آیا کنوانسیون‌های لاهه در مورد جنگ‌های دریایی آینده قابلیت اعمال دارد، می‌بایستی بین بخش‌های فنی و اختصاص یافته به فن‌آوری‌ها و سایر تعهدات مندرج در کنوانسیون‌ها که اکثریت دارای ماهیت عرفی هستند از جمله تعهد دولت‌ها در خصوص نحوه به‌کارگیری ابزارها، تعهدات متخاصمین در مقابل دولت‌های بی‌طرف و کشتی‌های تجاری که تعهداتی کلی هستند، تفکیک قائل شد. بنابراین، می‌بایستی مفاد تمامی کنوانسیون‌ها بنا به مورد، مورد تفسیر

واقع شود و بر اساس شرط اصلی تفسیر، تفسیر بایستی با هدف و موضوع کنوانسیون سازگار باشد.

در حال حاضر بسیاری از دستورالعمل‌های نظامی نیروهای دریایی به کارگیری انواع ابزارها و روش‌های جنگ دریایی و نیز اعمال کنوانسیون لاهه بر آن‌ها را پذیرفته‌اند. از این رو چنین نگرش و استدلالی که آن‌ها بی کاربرد و باطل هستند، به‌طور واضح غایت آن‌ها را عقیم می‌کند و بایستی ناکارآمدی این نظر و ناسازگاری‌اش با رویه دولت‌ها را نیز در نظر گرفت. بدیهی است که نگرش دوم یعنی قابلیت اعمال کنوانسیون‌های جنگ دریایی با مدنظر قرار دادن تمامی تغییرات در همه عرصه‌ها، منطبق با حقوق بین‌الملل عرفی و رویه دولت‌ها است (سیفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۳-۶۲). علاوه بر این، قابلیت اعمال اصول مربوط به جنگ دریایی به‌عنوان حقوق بین‌الملل عرفی در موارد متعددی از جمله در قضایای کانال کورفو، نیکاراگوئه و سکوه‌های نفتی، توسط دیوان بین‌المللی دادگستری تقویت و یا تصدیق شده است (Letts, 2014: 449). از این رو، این استدلال و نگرش اجازه می‌دهد که کنوانسیون‌های لاهه، نه تنها نسبت به وضعیت ابزار و روش‌های سنتی جنگ دریایی اعمال شود بلکه، بدون تمایز در مورد ابزار و روش‌های مدرن نیز قابلیت اعمال داشته باشند که هم با رویه دولت‌ها منطبق است و هم به کارگیری سایر ابزارهای دریایی را قاعده‌مند می‌کند، علاوه بر این چنین تفسیری با الزام کلی دولت‌ها به خودداری از اعمالی که با هدف و موضوع آن معاهدات در تضاد است، سازگار است (سیفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۵). قواعد عرفی و حقوق قراردادی در سکوت حقوق قراردادی مدرن، دو ابزار اساسی برای تبیین مسائل مربوط به هدایت مخاصمات مسلحانه دریایی هستند. بنابراین دستورالعمل سانرمو به‌عنوان یک راهنما می‌تواند در پرتو سایر اسناد جنگ دریایی و اسناد بین‌المللی مورد استناد واقع شود.

## ۲. حقوق نرم و نقش دستورالعمل‌های حقوقی در توسعه حقوق مخاصمه

### مسلحانه

قواعد حقوق بین‌الملل در مورد درگیری‌های سنتی بین ملل متحد به خوبی توسعه یافته است، اما این امر در مورد جنگ دریایی صدق نمی‌کند. در حقیقت، تفاوت در سیاست داخلی، نهادها، هویت ملی و نظامی و فرهنگ حقوقی مشهود است که آن به رفتار دولت در حوزه بین-

المللی نیز سرایت کرده است. این یافته‌ها در یک سند نه تنها لزوماً نشان‌دهنده رئالیسم نیست بلکه اشتباه است، به این علت انطباق و عدم انطباق دولت‌ها با حقوق بین‌المللی متعدد و پیچیده است. این امر به شدت در سیاست جهان معاصر طنین‌انداز است. همانند دوره جنگ جهانی اول، امروز فن‌آوری‌های دفاعی جدید نه تنها باعث ایجاد چالش‌هایی برای حقوق بین‌الملل و جامعه بین‌المللی هستند بلکه به‌طور بالقوه موجب تضعیف قواعد و هنجارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی نیز هستند. هواپیماهای بدون سرنشین، جنگ سایبری، تسلیحات خودکار تمام توجهات و مسائل مربوط به مفاهیم موجود در مورد مسئولیت و حقوق، تصمیم‌گیری در زمان جنگ، حقوق در جنگ را با چالش مواجه کرده است. از این‌رو روشن نیست که چگونه رژیم کنونی به خوبی می‌تواند خود را با فن‌آوری‌های جدید وفق دهد. با این وجود، در حالی که جامعه بین‌المللی امروز با چالش‌های سیاسی، فنی، حقوقی و نظامی مواجه است، ممکن است به خوبی از تکامل حقوق و هنجارهای بین‌المللی در اوایل قرن بیستم درس بگیرد (Erickson, 2016: 530).

امروزه، بعد از ۱۵۰ سال از توسعه، پالایش و تدوین حقوق مخاصمه مسلحانه، دستورالعمل‌ها و آموزه‌های نوین با شیوه‌های گذشته به‌عنوان تلفیقی از حقوق بین‌الملل جهان‌شمول به تنظیم رفتار خصمانه و حمایت بشردوستانه از قربانیان در انواع درگیری‌های مسلحانه ظهور یافته است. از این‌رو دقیقاً در این نقطه از بلوغ نسبی، با ظهور هزاره جدید، چالش‌های تازه‌ای برای دستاوردهای اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطرح کرده است (Melzer & Kuster, 2016: 10). بررسی اجمالی این دوره اساساً نشان خواهد داد که تحول فن‌آوری‌های جدید در ابزار و روش‌های جنگی و در محیطی که در آن جنگ رخ می‌دهد تأثیر بسزایی داشته است (McLaughlin & Nasu, 2014: 3). در واقع تحولات حقوق بین‌الملل و فن‌آوری‌های نوین، حقوق مخاصمه مسلحانه و صحنه نبرد را به چالش می‌کشد. یک راه مقابله با این شکاف، گرایش فزاینده آشکار در توسل به حقوق نرم و سازوکار دستورالعمل‌ها و کتابچه‌های راهنمای نظامی به‌عنوان یک اقدام موقت است.

حقوق نرم<sup>۱</sup>، وضعیت سیاسی جامعه بین‌المللی پرتنشی را به نمایش می‌گذارد که در مسیر تغییرات و تحولات جهانی، برای بیان هر ضرورت حقوقی به‌جای منابع سنتی حقوق بین‌الملل، ناگزیر به استفاده از ابزارهایی انعطاف‌پذیر شده باشد (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۴۳). دیدگاه سنتی در خصوص

1. Soft law



منابع حقوق بین الملل مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری که اصول حقوق بین الملل را به دو دسته، واجد الزام قانونی و فاقد الزام قانونی تقسیم کرده، امروزه با رویکرد به پارادایم‌های حقوقی سخت<sup>۱</sup> و حقوقی نرم تعیین می‌شود (رضوانی، ۱۳۹۱: ۴۰). حقوقدانان بین المللی با توجه به همین معنا، حقوق نرم را، راه عالی برای ارائه راهنمایی‌ها، توسعه منافع و ایجاد حرکت برای ارزیابی اثربخشی قبل از اجرای یک سند در قالب حقوق سخت دانسته‌اند (Williams, 2014: 36)، زیرا وجود قاعده نرم بهتر از نبود قاعده در جامعه پرتنش بین المللی است. در چنین حالتی، حقوق نرم زمینه‌ساز صلح و وفاق بین المللی می‌شود (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۴۴).

در عرصه بین المللی، امروزه مؤسسات بین المللی و سازمان‌های غیردولتی نقش بسیار مهمی در تنظیم استانداردها، حمایت از قواعد و ایجاد قواعد واحد در بخش‌های مختلف را ایفا می‌کنند. آن‌ها همواره در تلاش‌اند تا با ایجاد دستورالعمل‌های خاص، کنشگران جامعه بین المللی را در مسیر رعایت قواعد حقوق بین المللی هدایت کنند و موجبات توسعه حقوق بین الملل را فراهم کنند. کمیته بین المللی صلیب سرخ، مؤسسه حقوق بین الملل بشردوستانه سانرمو، انجمن حقوق بین الملل و سایر مؤسسات بین المللی نقش بسیار زیادی در توسعه حقوق بین الملل داشته‌اند. آن‌ها «وسیله‌ای برای تبیین و تعیین قواعد حقوقی هستند» (شهبازی و حاجی پور، ۱۳۹۷: ۱۶۶).

بنابراین، گرایش به حقوق نرم و سازوکار دستورالعمل‌ها و کتابچه‌های راهنمای نظامی، حائز اهمیت است، به‌ویژه آنجایی که کشورها به‌وضوح تمایلی برای پر کردن خلأهای موجود و قاعده‌مندی آن‌ها نشان نمی‌دهند. از سوی دیگر می‌توان، تصریح کرد که این حقوق نرم و دستورالعمل‌ها و فرایندهای اسنادی در واقع یک راه مؤثر برای دستیابی به قاعده‌مندی است و دستورکار را به پایین‌ترین سطح افراد و گروه‌ها ارائه می‌دهد. این امر می‌تواند شماری از پیامدهای مثبت و کاملاً جدا از نتیجه اسناد را در برداشته باشد. از این‌رو چنین فرایندهایی اغلب از حوزه کارشناسان موضوع به مقابله با دیپلمات‌ها و سیاست‌گذاران پرداخته، می‌تواند به نتایج اساسی بسیار مرتبط و متنوع منجر شود (McLaughlin & Nasu, 2014: 3).

دستورالعمل‌ها و کتابچه‌های راهنمای غیر الزام‌آور، دستورالعمل‌های عمومی هستند که مسئولیت و نحوه عملکرد را تعیین می‌کنند. مزیت آن‌ها این است که توسط سازمان‌های مختلف، از جمله سازمان‌های دولتی، صنعتی، سازمان‌های غیردولتی و جوامع علمی، تهیه، اجرا و توسعه

داده می‌شوند. آن‌ها احتمالاً به‌عنوان اولین گام در ایجاد برخی حمایت‌ها و قواعد هستند و تا زمانی که اسناد رسمی‌تر ایجاد شود، حائز اهمیت هستند. کتابچه را می‌توان در مقایسه با اسناد رسمی به سرعت ایجاد کرد، اما بزرگ‌ترین مشکل در انعطاف‌پذیری آن‌ها است و ممکن است راهنماهای متعددی برای یک حوزه وجود داشته باشد (Andersson, 2014: 58). کتابچه‌های راهنما اغلب ترکیبی از سه نوع اخلاقی، حرفه‌ای و رفتاری هستند که مستلزم دستورالعمل و رهنمودهای عملی است و تجسم آن‌ها بر این است که شیوه‌ای مناسب به اجرا گذاشته شود. دستورالعمل می‌تواند توسط نیروهای مسلح یک کشور و کمیته‌های اجرایی دولت به تصویب برسد و یا توسط یک سازمان غیردولتی، مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تهیه شود. علاوه بر این، ایجاد آن‌ها می‌تواند اثرات آموزشی و همکاری ایجاد کند. با این حال، تهیه پیش‌نویس یک کتابچه راهنمای خوب بسیار چالش‌برانگیز است، زیرا ضرورت دارد به جزئیات و تعادل مناسب بین منافع سیاسی همه ذینفعان توجه کافی داشته باشد. در واقع توسعه کتابچه‌های راهنما می‌تواند در هر دو سطح ملی و بین‌المللی بسیار مفید و آغاز یک بحث بین‌المللی باشد. در نهایت به آگاهی از ویژگی‌های مثبت و منفی موضوع مدنظر، محدودیت‌های استفاده از آن و مقاصد کشورهای دیگر منجر شود. با این حال، به احتمال زیاد صرف یک کتابچه راهنما کافی نیست. در نتیجه، اتخاذ یک سند الزام‌آور حقوقی در آینده ضروری خواهد بود (Verschuren, 2012: 101). علاوه بر این هیچ سلسله‌مراتب مشخصی برای تقدم کتابچه‌های راهنما بر دیگری وجود ندارد. اگرچه یک کتابچه راهنما به اندازه کافی نمی‌تواند تمامی موارد مرتبط با موضوع را به‌طور کامل در برگیرد، اما قطعاً می‌تواند یک گام به جلو در ایجاد یک هدف مشترک برای رسیدن به قاعده‌مندی باشد.

در واقع حقوق نرم از طریق راه‌اندازی یک گفتگوی فرادولتی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات در ارتباط با موضوعات مبتلابه حقوق بین‌المللی به‌منظور ایجاد کتابچه راهنما، می‌تواند راه‌حل مناسبی باشد. گفتگوی فرادولتی با ترتیبات غیررسمی و انعطاف‌پذیر مقام‌های دولتی کشورهای مختلف را به‌صورت منظم به دیدار، بحث و هماهنگ کردن سیاست‌ها وامی‌دارد. این امر می‌تواند منجر به اشتراک گذاشتن اطلاعات و بهترین شیوه برای هماهنگ کردن سیاست‌ها و سازوکارهای نظارتی، هماهنگی برای شیوه اجرای قانون، پیش‌بینی، پیشگیری و حل و فصل اختلافات شود. گفتگوهای فرادولتی می‌تواند نتایج سیاست‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و منجر به

افزایش همکاری در عرصه بین‌المللی شود (Andersson, 2014: 59). با این وجود، جایی که در آن اراده سیاسی کمی برای رسیدگی به خلأ، از طریق سازوکارهای ایجاد شده سنتی و معاهدات وجود دارد، استفاده از اصول کلی حقوقی مخاصمه مسلحانه، تفاسیر و قیاس‌ها برای پر کردن خلأهای حقوقی بیشتر درک می‌شود (McLaughlin & Nasu, 2014: 3). در واقع، این دستورالعمل‌ها به‌طور بالقوه به ظهور هنجارهای عرفی کمک می‌کنند (Gaglioli, 2019: 63).

از جمله دستورالعمل‌ها و کتابچه‌های راهنمایی که توسط کارشناسان مؤسسه تحقیقات حقوق بین‌الملل دانشگاه هاروارد تهیه و تنظیم شده است، دستورالعمل جنگ هوایی و موشکی<sup>۱</sup> است. دستورالعمل مذکور ممکن است موقعیتی ایجاد کند که در آن ممنوعیت حملات بدون تفکیک، تعهد به جلوگیری و به حداقل رساندن خسارت‌های ناخواسته‌ای ایجاد شود تا بتوان به مقاصد مذکور نائل شد (Sassoli & Quintin, 2014: 13). نمونه دیگر از کتابچه‌های راهنما که توسط کارشناسان ایجاد شده است، دستورالعمل تالین<sup>۲</sup> در مورد حقوق بین‌الملل قابل‌اجرا در مورد عملیات سایبری است. این دستورالعمل به‌عنوان یک رویداد حقوقی نرم، نشان‌دهنده یک پدیده نسبتاً جدید در حقوق مخاصمه مسلحانه است، در کنار تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، توسط افسران حقوقی-نظامی و سایر کارشناسان مرتبط، بررسی شده است (McLaughlin & Nasu, 2014: 5). در حقیقت امروزه دستاوردهای جمعی حاصل کار مجامع فعال در زمینه‌ی تحقیقات در حقوق بین‌الملل، از اهمیت بسیار برخوردارند و به‌رغم عدم استناد ظاهری دیوان بین‌المللی دادگستری به آموزه‌های حقوق‌دانان خاص، دادگاه در احکام و نظرات مشورتی خود به نحو فزاینده‌ای به دستاوردهای این نهادها از جمله کمیسیون حقوق بین‌الملل استناد کرده است (شهبازی و حاجی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۶۶).

### ۳. جایگاه حقوقی دستورالعمل سانرمو در منابع حقوق بین‌الملل

شکل‌گرایی یا فرمالیسم در حقوق بین‌الملل محلی از اعراب ندارد و با در نظر گرفتن این واقعیت که متون یادشده مبین اراده‌های مشترک پدیدآورندگان آن‌هاست، باید دید چگونه می‌توان

1. Manual on International Law Applicable to Air and Missile Warfare, Program on Humanitarian Policy and Conflict Research at Harvard University, Bern, 15 May 2009.

2. Tallinn Manual on the International Law Applicable to Cyber Warfare 2013.

میان اسنادی که معاهدات واقعی بین‌المللی به شمار می‌آیند و اسنادی که فاقد هرگونه اثر حقوقی هستند، قائل به تفکیک شد؟ دیوان بین‌المللی دادگستری در این باره معیارهایی به دست داده است. در قضیه فلات قاره دریای اژه که یونان با طرح دادخواستی یک‌جانبه بر مبنای بیانیه مشترک نخست وزیران یونان و ترکیه، دعوی علیه ترکیه در دیوان اقامه کرده بود، دیوان در پاسخ به این سؤال که آیا این بیانیه مشترک، موافقت‌نامه میان دو دولت است، اعلام کرد که در چنین مواردی باید دید که ماهیت سند یا موضوع بده بستان‌های دو دولت چه بوده است؛ به اعتقاد دیوان برای پی بردن به ماهیت سند یا نوع مبادلات حقوقی این دو دولت باید - به اصطلاحات به کار رفته در بیانیه و اوضاع و احوال اجتماعی مرتبط با آن بیانیه، توجه کرد (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۴۵). بنابراین، بی‌آنکه هیچ‌گونه قاعده‌ای در این باره وجود داشته باشد، هریک از این اسناد باید مورد به مورد تفسیر شود. البته، در مواردی دولت‌ها خود آشکارا اعلام کرده‌اند سندی که امضا کرده‌اند اعتبار حقوقی ندارد مثل سند هلسینکی. از آنچه گفته شد، می‌توان به این نتیجه رسید که در حال حاضر، علاوه بر نظام حقوقی منسجم و کم‌وبیش تابع مقررات شکلی، نظام دیگری نیز وجود دارد که «سیاسی» است. این نظام بسیار انعطاف‌پذیرتر از نظام حقوقی است؛ اما بارقه‌هایی از الزام در آن دیده می‌شود که اگر بیشتر از الزام موجود در نظام حقوقی نباشد، کمتر از آن نیست. مثل اعلامیه یالتا که بعد از جنگ جهانی دوم صادر شد و الزام‌های مهمی برای اروپای آزادشده بعد از جنگ به وجود آورد. وانگهی، نظام حقوقی و نظام سیاسی، هر دو باید از قاعده «حسن نیت» تبعیت کنند (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۴۶). به نظر می‌رسد دستورالعمل سان‌رمو نیز از این قاعده در حقوق بین‌الملل پیروی می‌کند. از این رو، در زیر سعی بر آن است برای تبیین بیشتر آثار حقوقی دستورالعمل سان‌رمو به بررسی آن در پرتو حقوق نرم و حقوق بین‌الملل عرفی بپردازیم.

### ۳-۱. بررسی دستورالعمل سان‌رمو به‌عنوان حقوق نرم

به‌طور کلی تشخیص حقوق نرم از یک تعهد لازم‌الاجرای حقوقی، به هدف تدوین‌کنندگان یک سند خاص بستگی دارد به‌گونه‌ای که از عوامل مؤثر در آن چنین استنباط می‌شود: امکان دارد تنظیم‌کنندگان متن مربوطه هدفشان این باشد که متن از ارزش حقوقی یک توافق‌نامه‌ی لازم‌الاجرا برخوردار شود و یا این که ممکن است به نظر آن‌ها، سند مزبور بخشی از حقوق نرم باشد (در این خصوص می‌توان به قضیه فلات قاره دریای اژه که دیوان بین‌المللی دادگستری در

سال ۱۹۸۷ و قضیه‌ی مسائل مرزی و تعیین حدود دریایی بین قطر و بحرین که در سال ۱۹۹۴ در مورد آن‌ها تصمیم‌گیری کرد، اشاره کرد) (کسسه، ۱۳۸۸: ۲۹۹).

دستورالعمل سانرمو سندی غیرالزام‌آور و مدل‌سازی شده از روی دستورالعمل آکسفورد است با محتوایی مناسب که قواعد حقوق جنگ دریایی را طبقه‌بندی کرده است. این دستورالعمل اجازه داده است تا حقوق بشردوستانه صریحاً با این قواعد ترکیب یابد. سانرمو اصول کلیدی حقوق جنگ زمینی را در مورد جنگ دریایی قابل‌اعمال کرده است. برای نمونه اعمال اصل تفکیک و الزام به اقدامات احتیاطی را به هنگام پرتاب موشک به‌طور واضح قاعده‌سازی کرده است (Sassòli, Bouvier & Quintin, 2010: 2). اگرچه بخش‌های خاصی از کتابچه راهنما، ارتباط مستقیمی با قواعد حقوق بشردوستانه ندارد، به‌ویژه بخش‌های مربوط به منشور ملل متحد و مناطق عملیات دریایی، اما این نیاز توسط شرکت‌کنندگان احساس شد، ضرورتاً سعی بر آن داشتند با ارائه یک چارچوب قطعی حقوقی به حفظ و اجرای صحیح قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه کمک کنند. به‌طور خاص، قواعد کتابچه راهنما نسبت به تمام طرفین مخاصمه و عملیات مجاز و یا صورت گرفته از سوی سازمان ملل متحد، اعمال می‌شود. با این حال، مهم‌ترین دست‌آورد کتابچه راهنما تأیید مجدد و به‌روزرسانی حقوق بین‌المللی بشردوستانه، با در نظر گرفتن کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ که مهم‌ترین نوآوری در مقایسه با حقوق سنتی پیش از سال ۱۹۱۴ است (Doswald-Beck, 1995: 589). دستورالعمل سانرمو حاوی مقررات دقیقی در مورد استفاده از سلاح‌های خاص و تعامل بین کشتی‌ها و هواپیماها در عملیات دریایی است. همچنین، تفاوت بین انجام عملیات در مناطق مختلف دریایی را که در پرتو تحولات حقوق دریاهای ایجاد شده است انعکاس داد. سانرمو زمینه این را فراهم کرده است که دولت‌ها با یک سند منسجم مواجه شوند که آن‌ها را قادر به اعمال حقوق جنگ دریایی متناسب با اقدامات و قوانین آن‌ها کند. امروز سانرمو به‌عنوان یک مرجع اصلی برای حقوق جنگ دریایی است (Sassòli, Bouvier & Quintin, 2010: 3). همچنین، مفاد دستورالعمل سانرمو تا حدودی بر کنوانسیون‌های لاهه و ترکیب مقررات این کنوانسیون با پیامدهای مبتنی بر نگرش‌های روبه‌ای دولت‌های خاص و مرتبط با آراء قضایی و بیشتر با اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، از قبیل آن‌هایی که در پروتکل الحاقی اول درج شده‌اند بنا شده است (سیفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۹۷).

به‌طور کلی ماهیت کلی دستورالعمل سان‌رمو را نمی‌توان به‌عنوان یک سند حقوقی الزام‌آور دانست، زیرا شرایط لازم برای برخورداری از عنوان معاهده را ندارد. تدوین‌کنندگان این سند متشکل از برخی از کارشناسان و افسران نیروهای دریایی بودند که رسماً نمایندگی دولت‌های مربوطه را بر عهده نداشتند. همچنین، این دستورالعمل توسط یک نهاد غیردولتی تهیه و تنظیم شده است. از این‌رو ماهیت این سند بیشتر به حقوق نرم شبیه است تا حقوق سخت. به نظر می‌رسد با بررسی شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر تنظیم سند می‌توان استدلال کرد که کارشناسان به‌عمد این دستورالعمل را در قالب یک معاهده تنظیم نکرده‌اند، زیرا به‌هنگام تدوین دستورالعمل سان‌رمو کارشناسان معتقد بودند تهیه پیش‌نویس آن به‌عنوان یک سند حقوقی روشن، منجر به از بین رفتن اختلاف نظر نمی‌شود و توسعه یکنواخت آن در حقوق عرفی و تدوین نهایی آن غیرممکن می‌شود. کارشناسان به‌هنگام تدوین دستورالعمل، این نتیجه را در نظر داشتند که با تهیه پیش‌نویس و انتشار بسیار مفید آن، کشورها را به‌هنگام تهیه دفترچه راهنمای ملی، به این امر تشویق کنند که مفاد آن را در دفترچه‌های ملی‌شان لحاظ کنند. در واقع در سال ۱۹۹۰، کارشناسان هم‌زمان با تبیین دستورالعمل تصمیم به انتشار تفسیر آن گرفتند، زیرا تفسیر می‌تواند منابعی از قواعد موجود مرتبط با مقررات بحث‌برانگیزتر در دستورالعمل را نشان داده و دلایل برخی تصمیم‌های اتخاذ شده را توضیح دهد. بنابراین تفسیر مبتنی بر قواعدی بود که به‌طور کلی دستورالعمل را به‌عنوان حقوق عرفی نشان می‌داد و در ماهیت شبیه طرح‌های پیشنهادی برای توسعه تدریجی حقوق است (Doswald-Beck, 1995:587). در خصوص اهمیت این دستورالعمل، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر این نظر است که دستورالعمل مذکور شامل قواعدی است که ممکن است در اثر تحولات پیش‌رو موجب شود که دولت‌ها آن را در قوانین خود در نظر بگیرند اما اکثر مقررات آن، قواعدی است که در حال حاضر قابل اجرا است. علاوه بر این کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در طول مدت مطالعه خود در مورد احراز حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، بررسی در خصوص جنگ دریایی انجام نداد. دلیل کمیته این بود که حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال در دریا قبلاً به‌طور کافی در دستورالعمل سان‌رمو مورد توجه قرار گرفته شده است (Haines, 2016: 420). البته برخی معتقدند عدم بررسی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد عرف‌های جنگ دریایی تأسف برانگیز بوده است، زیرا می‌توانست تأثیر بسزایی در تدوین حقوق عرفی جنگ دریایی داشته باشد (Sergis, 2014: 533). البته،

تأثیر این قواعد را می‌توان با بررسی دستورالعمل‌های نظامی کشورهای دارای نیروی دریایی قدرتمند مشاهده کرد. در واقع، دستورالعمل سانرمو به‌عنوان حقوق نرم که قواعد آن به‌گونه‌ای هنجاری است، بر دستورالعمل‌های راهنمای کشورهای خاص تأثیر زیادی گذاشته است که این راهنماها «اغلب می‌توانند به حقوق سخت یعنی معاهدات مبدل شوند» (Lewis, 2015: 1319). در سال‌های اخیر برخی از کشورها کتابچه‌های راهنمای نظامی دریایی را آماده کرده‌اند و یا بیشتر کتابچه‌های راهنمای نظامی آن‌ها شامل بخش‌هایی در حوزه حقوق جنگ دریایی است که آن را توسعه داده و به‌روز کرده‌اند. این دستورالعمل‌های نظامی می‌توانند دلالتی بر حقوق بین‌الملل عرفی باشند، اما از آنجاکه آن‌ها به‌وسیله قانون‌گذاران بین‌المللی تصویب نشده‌اند، جزء اسناد حقوقی که دیوان‌ها و دادگاه‌ها بین‌المللی را ملزم به اعمال آن‌ها کنند، نیستند. با این‌وجود تا آنجا که چنین دستورالعمل‌هایی به‌واسطه نظامیان دولت‌های مربوطه ایجاد می‌شوند، منبع مهمی برای تعیین آراء قضایی<sup>۱</sup> بوده و ترویج‌کننده رویه دولت و انعکاس دهند آن هستند. دستورالعمل‌های نظامی نقش مهمی در مطلع کردن فرماندهان از تعهدات حقوقی‌شان دارند. به‌ویژه، برای فرماندهان نیروی دریایی که اقدام به انجام عملیات دریایی بدون حضور یا با کمترین تماس با مشاوران حقوقی می‌کنند و یا اینکه به‌صورت حرفه‌ای در معرض آموزش قواعد حقوقی قرار نگرفته باشند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این بین دستورالعمل سانرمو، همراه با توسعه مترقیانه برخی از قواعد و رویه دولت‌ها و مدنظر قرار دادن تحولات فن‌آورانه نمونه مناسبی برای ایجاد دستورالعمل‌های نظامی ملی خواهد بود، زیرا یکی از اهداف اولیه تهیه‌کنندگان دستورالعمل سانرمو طراحی یک سند مرجع است که می‌تواند ضمن کمک به مشاوران حقوقی و افسران نیروی دریایی، برای درک و اعمال حقوق جنگ دریایی معاصر مورد استفاده قرار گیرد (Drew, 2012: 78). در حال حاضر دولت‌های مختلفی از قبیل آمریکا، انگلیس، آلمان، استرالیا، کانادا، نیوزلند و روسیه دستورالعمل‌های نظامی را ایجاد و انتشار داده‌اند. همچنین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز یک مدل دستورالعمل برای نیروهای مسلح ایجاد کرده است که می‌تواند منبعی برای گسترش سایر دستورالعمل‌ها باشد (Verschuren, 2012 – 2013: 45).

در حال حاضر قابل‌توجه‌ترین کتابچه، راهنمای دریایی حقوق فرماندهی عملیات نیروی

1. *opinio juris*

دریایی ایالات متحده<sup>۱</sup> و ضمیمه‌های مشروح و جدید آن است. دستورالعمل آلمانی حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه ۱۹۹۲<sup>۲</sup>، نیز دارای بخش مهمی در مورد درگیری‌های مسلحانه در دریا است. همچنین، دستورالعمل‌های انگلیس و کانادا در بخش‌های ناظر بر جنگ دریایی تا حدود زیادی منطبق با دستورالعمل سان‌رمو هستند. واقعیت حاکی از آن است که فرایند پیش‌نویس دستورالعمل سان‌رمو نشان می‌دهد که مشارکت نظامیان و کارشناسان شماری از دولت‌هایی مثل انگلیس و کانادا، منجر به پذیرش آن توسط قدرت‌های دریایی شده است و از وزن معینی برخوردار است (Verschuren, 2012 – 2013:45). در این مورد *ولف‌هینشل فان-هیگ* معتقد است این دیدگاه یک واقعیت است که بسیاری از مقررات سان‌رمو مصالحه یا سازش بین نظرات متفاوت در چارچوب گروهی از کارشناسان نیروی دریایی و حقوق‌دانان بین‌المللی در پیش‌نویس بوده است، برخی از این مقررات ممکن است ناقص باشند. با این وجود، این امر مانع پذیرش قواعد سان‌رمو در راهنماها یا دستورالعمل‌های مربوط به نیروهای مسلح شمار بسیاری از دولت‌ها نشده است (Drew, 2012:80).

عمده نوآوری‌های اصول راهنمای سان‌رمو در خصوص اصول حاکم بر مخاصمات مسلحانه دریایی، به‌طور چشمگیری به مقرراتی مربوط می‌شود که در خصوص آثار و امکان اعمال مقررات منشور ملل متحد (به‌خصوص در مورد دفاع مشروع)، مفهوم اهداف نظامی، ارجاع به فعالیت‌های نظامی در مناطق دریایی، مقوله محیط‌زیست دریایی و موضوع هواپیماها است (حسینی آزاد، آجلی لاهیجی، زحمتکش، ۱۳۹۹: ۱۴۰۴).

در خصوص اعمال حق دفاع مشروع در جنگ دریایی، پاراگراف سوم و چهارم دستورالعمل سان‌رمو اجمالاً الزام‌های حقوقی مربوط به آن را بیان کرده است. اختلاف بین کسانی که استدلال می‌کنند که حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی صرفاً زمانی قابل اجرا است که عملاً یک درگیری مسلحانه رخ دهد و کسانی که استدلال می‌کنند که تمام اقدام‌های خصمانه را می‌توان در پرتو منشور سازمان ملل تعیین و در شرایط عملی بسیار گسترده‌تر مدنظر قرار داد. به نظر

1. The Commander's Handbook on the Law of Naval Operations, U.S. Navy NWP 114M, U.S. Marine Corps MCWP 5-12.1, U.S. Coast Guard COMDTPUB P5800.7A, 2007.

2. The Manual Humanitarian Law in Armed Conflicts, edited by The Federal Ministry of Defence of the Federal Republic of Germany VR II 3, August 1992: ZDV 2/15.



می‌رسد که حقوق مخاصمه مسلحانه بین‌المللی بدون در نظر گرفتن درگیری عملی مطرح شده است (Jonsson, 2008: 20). یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد و نوآوری دستورالعمل سانرمو این است که مرجع خود را منشور ملل متحد قرار داده است. حقوق سنتی در جنگ نشان می‌دهد که قواعد جنگ تنها در پرتو وضعیت جنگی اعلام شده اجرا می‌شوند و پس از آن همچنان تا زمانی که یک پیمان صلح رسمی امضا شود، معتبر باقی می‌ماند. البته این شیوه در بسیاری از درگیری نظامی در دوران پس از منشور ملل متحد که توسط به‌زور ممنوع شده است، به‌ندرت رخ داده است. به‌جای آن درگیری‌های نظامی اغلب بر اساس دفاع مشروع رخ داده است (Jonsson, 2008: 21).

بر اساس این اصول یک دولت که قربانی حمله مسلحانه می‌شود محق است که در مقابل حمله‌کننده متوسل به‌زور شود اما صرفاً می‌بایستی میزانی از زور را که برای دفاع از خودش ضرورت دارد و برای دستیابی به اهداف دفاعی اعمال کند. این اصول یک دولت را ملزم می‌کند که نه تنها درجه‌ای از حمله و نوع زور را که ضرورت دارد در مقابل به کار ببرد بلکه زور به کار رفته به‌واسطه دفاع مشروع برای دستیابی به اهداف مشروع بایستی متناسب باشد (San Remo Manual, para. 3-4).

در خصوص تعریف اهداف نظامی راهنمای سانرمو، همان تعریف ماد ۵۲ پروتکل اول را لحاظ کرده و قصد تدوین‌کنندگان این بوده است که مقررات پروتکل در آن قسمت، نسبت به جنگ دریایی نیز اعمال شود. باین‌وجود تدوین‌کنندگان اصول راهنما با نیم‌نگاهی به مقررات گذشته، تجویز حملات علیه کشتی‌های تجاری را که مستقیماً به اقدامات نظامی دشمن کمک می‌کنند تا حد ممکن محدود ساخته‌اند. بند ۶۰ اصول راهنما، فعالیت‌هایی که کشتی‌های تجاری دشمن را به هدف نظامی تبدیل خواهد کرد را برشمرده است (حسینی آزاد، آجلی لاهیجی، زحمتکش، ۱۳۹۹: ۱۴۰۸-۱۴۰۹).

علاوه بر این، به‌موجب مقررات کنوانسیون دوم ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو، کشتی‌های بیمارستانی، قایق‌های کوچک که در عملیات نجات از آن‌ها استفاده می‌شود و دیگر وسایل حمل‌ونقل پزشکی، وسایلی هستند که از حمله مستثنا شده‌اند. با نگاهی به راهنمای سانرمو، مشخص می‌شود که این فهرست بسیار گسترده‌تر شده و در بند ۴۷ راهنمای مزبور، کشتی‌هایی گنجانده شده است که در حقوق کلاسیک به هیچ عنوان وجود

نداشت. این امر حاصل حقوق نوین است که نشان از توسعه روبه‌جلو حقوق جنگ دریایی دارد (حسینی آزاد، آجلی لاهیجی، زحمتکش، ۱۳۹۹: ۱۴۰۴). ارائه این فهرست بسیار بدیع و کارآمد خواهد بود. یکی از بخش‌های نوین و بسیار بدیعی که در حقوق جنگ دریایی ظهور یافته و بخشی از اصول راهنمای سان‌رمو نیز به آن اختصاص داده شده است، بحث در خصوص ایجاد مناطق خاص در هنگام مخاصمات دریایی است. با این توضیح که دولت‌های متخاصم منطقه‌ای از دریا را به‌عنوان منطقه ممنوعه یا منطقه عملیات معرفی کرده و وضعیت آن را به‌گونه‌ای فوق‌العاده تعیین می‌کنند. این مبحث یکی از بحث‌برانگیزترین بخش‌های دستورالعمل سان‌رمو بود. این بخش در واقع حاصل مصالحه‌ای بود بین آن دسته از شرکت‌کنندگانی که اصولاً با برقراری چنین منطقه‌ای مخالف بودند و آن را غیرقانونی می‌دانستند و آن دسته که قائل به شناسایی حقوق گسترده‌تری برای متخاصمان در چنین مناطقی بودند. به موجب بند ۱۰۵ اصول راهنما، کشور متخاصم نمی‌تواند با ایجاد مناطقی که بر استفاده قانونی از نواحی تعیین شده دریایی اثر سوء می‌گذارد، خود را از تعهدات حقوقی بشردوستانه رها کند (حسینی آزاد، آجلی لاهیجی، زحمتکش، ۱۳۹۹: ۱۴۱۳).

یکی از مباحثی که در کنوانسیون دوم ژنو در خصوص مخاصمات در دریا وجود نداشت، حمایت از محیط‌زیست دریایی بود. این امر، بعدها در قالب ماده ۵۵ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، در خصوص حمایت از محیط‌زیست، به‌صورت عام، به رسمیت شناخته شد. اما باید توجه داشت که ماده ۵۵ مقررهای مشروط بوده و کاربرد آن در مورد جنگ دریایی تابع بند ۳ ماد ۴۹ پروتکل الحاقی اول است، یعنی به‌شرطی اجرا می‌شود که جمعیت یا اهداف غیرنظامی مستقر در خشکی متأثر شوند.

بند ۱۱ اصول راهنمای مزبور بیان می‌دارد: طرفین سعی کنند تا هیچ اقدام خصمانه‌ای در نواحی دریایی که شامل موارد زیر باشد، صورت نگیرد:

الف. زیست‌بوم‌های نادر و شکننده؛ ب. زیست‌بوم گونه‌های تقلیل یافته، در معرض تهدید یا در معرض خطر یا دیگر اشکال حیات دریایی.

مقررهای مندرج در بند ۱۱ اصول راهنما، هرچند حالتی تشویقی دارد، اما همان چیزی است که در بند ۵ ماده ۱۹۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها آمده است. با این تفاوت که در کنوانسیون حالتی عام داشته و اصول راهنما مختص زمان درگیری‌های مسلحانه در دریاست. همچنین، قاعده کلی در خصوص حمایت از محیط‌زیست دریایی در دریا را می‌توان در بند ۴۴ دستورالعمل

سانرمو دید که بیان می‌دارد در مخاصمات مسلحانه ابزارها و روش‌های جنگی باید بر اساس توجه مقتضی به محیط‌زیست طبیعی و با رعایت قواعد ذی‌ربط حقوق بین‌الملل به کار گرفته شود. ایراد خسارت یا تخریب محیط‌زیست طبیعی با ضرورت نظامی توجیه‌پذیر نیست و ارتکاب با بی‌مبالاتی آن، ممنوع است. بنابراین دیده می‌شود که اصول راهنمای سانرمو تعهدات حمایت از محیط‌زیست را در زمان مخاصمات مسلحانه به نحوی دقیق و جامع بیان داشته است. البته نتایج حاصله در اصول راهنمای سانرمو به حدی نبود که متخصصان حقوق محیط‌زیست تمایل داشتند. با این حال اجازه و مجال تفسیرهای بعدی را در جهت توسعه‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به نحوی انعطاف‌پذیر موجب می‌شود (حسینی آزاد، آجلی لاهیجی، زحمتکش، ۱۳۹۹: ۱۴۱۷-۱۴۱۶).

در خصوص موشک‌های دریایی نیز حقوق سنتی، قاعده خاصی در مورد آن‌ها ندارد؛ لذا هنگامی که متخاصمان از موشک‌های کروز یا سایر موشک‌ها استفاده می‌کنند، متعهد به تضمین این امر هستند که موشک‌ها تنها به سوی اهداف نظامی جهت‌گیری شوند که مورد تأکید بند ۷۸ دستورالعمل سانرمو نیز است (فان‌هیگ، ۱۳۸۷: ۶۰۴). همچنین، دستورالعمل سانرمو در بند ۷۹ اژدرها را نیز که قاعده خاصی در مورد آن‌ها وجود ندارد مورد تأکید قرار داده و آن‌ها را ملزم به رعایت اصول بنیادین حقوق بشردوستانه کرده است.

### ۳-۲. بررسی دستورالعمل سانرمو به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی

بررسی محتوای دستورالعمل سانرمو، این دیدگاه را تقویت می‌کند که دستورالعمل سانرمو حقوق بین‌الملل عرفی در مخاصمات مسلحانه دریایی را مورد قبول و توجه قرار داد. به اعتقاد برخی «دقیق‌ترین و متداول‌ترین قواعد ناظر بر جنگ دریایی در راهنمای سانرمو مشاهده می‌شود» (Klein, 2011: 286). این دستورالعمل توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در بیست-وششمین کنفرانس بین‌المللی خود تأیید شد و در کتابچه‌ها و راهنماهای نظامی ۲۵ کشور، به‌ویژه بسیاری از قدرت‌های دریایی، گاهاً به‌طور کامل (انگلیس و کانادا) و یا تقریبی (ایالات متحده امریکا) (Mundis, 2008: 46) و یا فراتر از آن (آلمان) (Drew, 2012: 108) پذیرفته و مورد استناد واقع شده است (Guilfoye, 2005: 742).

با نگاه اول به فهرست تعاریف در بند ۱۳ دستورالعمل به نظر می‌رسد که دستورالعمل سان-

رمو جامع و منعکس کننده قواعد عرفی است (Heinegg, 2006: 270). البته در باب پذیرش قواعد دستورالعمل سانرمو به عنوان حقوق بین الملل عرفی در میان حقوق دانان اختلاف نظرهای وجود دارد که قابل تأمل است. برخی عدم الزام دولتها به رعایت دستورالعمل مذکور را ناشی از الزام آور نبودن دستورالعمل مذکور می دانند. از این رو براین نظرند که سانرمو بایستی در غالب یک معاهده بین المللی تبدیل و تدوین شود، در مقابل هنوز حقوق دانان زیادی هستند که بهترین چاره را برای تکامل سانرمو، عبور و تکامل یافتن آن از گذر حقوق عرفی می دانند تا اینکه آن را به طور کلی به عنوان یک سند ناقص تصویب کرده و در عمل کنار نهاده شود. علاوه بر این برخی مانند «اهرنرایش»<sup>۱</sup>، استدلال می کنند که تلاش جدید برای تدوین حقوق مخاصمه مسلحانه بایستی بر دلایل بشردوستانه مبتنی باشد، از اهمیت حیاتی برخوردار است (Jonsson, 2008: 22). از نظر این دسته از حقوق دانان دستورالعمل سانرمو نمی تواند به عنوان حقوق قابل اجرا در عرصه مخاصمات مسلحانه دریایی مورد استناد دولتها قرار گیرد و برای تحقق این امر «یا باید در قالب یک معاهده الزام آور تدوین شود و یا اینکه در رویه جامعه بین المللی تمامی قواعد آن حداقل به عنوان حقوق بین الملل عرفی شناخته شوند. اما عده ای قواعد سانرمو را عرفی قلمداد کرده و مورد پذیرش قرار داده اند» (Narwat, MH, 2008: 443). آن ها بیان می کنند که کتابچه سانرمو نه تنها گسترشی از تدوین حقوق عرفی است بلکه در واقع گرایشی به سمت یک رژیم جدید در زمینه های بحث برانگیز، مانند استفاده از مناطق دریایی است (Jonsson, 2008: 20).

طرفداران نظریه اخیر این نگاه را از تعریف بند ۱۳ دستورالعمل که به نظر می رسد تداعی و منعکس کننده حقوق عرفی است اخذ کرده اند. در نهایت به نظر می رسد که عرفی بودن قواعد مندرج در دستورالعمل سانرمو اصل است (Heinegg, 2006: 271). البته عرفی بودن تمامی مفاد مندرج در دستورالعمل سانرمو محل بحث و تأمل است. به طور کلی اگر کتابچه راهنمای سانرمو مبتنی بر کمک به تحکیم حقوق بین المللی عرفی معاصر، ترویج و توسعه منسجم قواعد باشد، منجر به یک پایه بسیار محکم برای توسعه معاهده آینده خواهد شد و می تواند مورد توجه باشد.

علیرغم این که سانرمو تا حدودی دربرگیرنده قواعد قبلی جنگ دریایی است، هنوز بسیاری

از دولت‌ها بیشتر قواعد سانرمو را به‌عنوان یک دستورالعمل قابل اجر در زمینه مخاصمه مسلحانه دریایی نپذیرفته‌اند. شمار زیادی از هر دو اقشار کاربران و حقوقدانان به‌عنوان منتقد وجود دارند. آن‌ها معتقدند بخش‌هایی از سانرمو منسوخ شده و به‌عنوان یک مانع غیرمعقول برای موفقیت در دستیابی به اهداف استراتژیکی و عملیاتی است (Heinegg, 2006: 269). از این‌رو بنا بر این نظر، کارآمدی سانرمو به‌وسیله واقعیت‌های عملیاتی افول کرده است. دسته دیگر بر این اعتقادند که دستورالعمل سانرمو رویه‌های قدیمی که واقعیت‌های عملیاتی (مدرن) را انعکاس نداده، مدون کرده است (Bastien, CD, 2002: 9). اما به نظر می‌رسد برخی از این انتقادهای ناشی از ابهام در برخی از قواعد دستورالعمل سانرمو باشد، می‌تواند موجبی برای تفسیر اشتباه از مفاد آن شود.

از آنجایی که این مقررات تقریباً منافع متخاصمین و بی‌طرف‌ها را به‌طور کامل تعادل می‌بخشد، باید همه‌چیز قابل اجرا باشد تا از دستاوردهای فوق‌العاده‌اش در بازنویسی قواعد حقوقی که از زمان تصویب دستورالعمل آکسفورد در سال ۱۹۱۳ به‌طور کامل مورد خطاب قرار نگرفته است، محافظت شود. پیشرفت فن‌آوری در گذر زمان سریع است که مطمئناً تأثیر عمیقی بر دکترین نظامی و انجام خصومت‌ها دارد. با بی‌توجهی به این توسعه و نحوه برخورد با جنگ‌های مدرن، کتابچه راهنمای سانرمو را به حاشیه رانده و حتی می‌تواند منسوخ شود. از این‌رو، بهترین راه برای تطبیق دستورالعمل سانرمو با پیشرفت فن‌آوری این است که تحت نظارت مؤسسه بین‌المللی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، گروهی از کارشناسان به تهیه دستورالعمل‌های الحاقی به‌منظور شفافیت بخش‌هایی از کتابچه راهنمای سانرمو بپردازند (Heinegg, 2006: 288). از این‌رو، هنوز هم نیاز به تأسیس قواعد واضحی به‌منظور جلوگیری از عملیات دریایی بی‌رویه غیرقانونی است و برای این منظور مقررات دقیق بین‌المللی ضروری است.

علاوه بر این، امروزه دستورالعمل سانرمو از قالب تأثیرگذاری بر دستورالعمل‌های نظامی بیرون آمده و پا به عرصه عمل در جامعه بین‌المللی نهاده و توسط دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به‌عنوان یک سند مورد استناد واقع می‌شود. برای نمونه در محاصره دریایی غزه یکی از مبانی حقوقی محاصره دریایی مقام‌های رژیم اشغالگر قدس در کنار اعلامیه لندن ۱۹۰۹ و حقوق بین-

الملل عرفی، دستورالعمل سان‌رمو بود و به کرار مورد استناد واقع شد.<sup>۱</sup> علاوه بر این دستورالعمل مذکور در چندین مرحله از سوی هیئت حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر در قضیه محاصره غزه مورد استناد و تفسیر واقع شده است<sup>۲</sup> (عسکری، ۱۳۹۲: ۱۴۰). از سوی دیگر کمیسیون‌های تحقیقی که از سوی اسرائیل<sup>۳</sup> و ترکیه<sup>۴</sup> -دیگر دولت‌های عمدتاً ذی‌نفع به دلیل تابعیت قربانیان این عملیات- و همچنین از سوی ارکان ملل متحد<sup>۵</sup>، از نظر تأسیس بر راهنمای سان‌رمو بنا شدند (ممتاز و شایگان، ۱۳۹۲: ۱۴۸). راهنمای سان‌رمو، در خصوص محاصره نیز ضمن تأکید بر حقوق بین‌الملل عرفی، دارای نوآوری بوده و اجرای آن را از طریق ترکیبی از روش‌ها و وسایل جنگ دریایی اجازه داده است (سیفی و مجدفر، ۱۳۹۹: ۵۲) که به نظر می‌رسد شامل هواپیماهای نظامی نیز می‌شود. البته، مفاد دستورالعمل سان‌رمو در مورد محاصره، هیچ اشاره‌ای به هواپیماها نداشته است. اما تفسیر دستورالعمل، در پاراگراف‌های ۹۶۵ و ۹۷۶ نتیجه‌گیری می‌کند که محاصره ممکن است توسط هواپیماهای نظامی نیز اجرا و نگهداری شود (Heinegg, 2006: 277).

کنوانسیون هشتم لاهه در رابطه با جنگ مین دریایی توسط دستورالعمل سان‌رمو (مواد ۸۰ الی ۹۲) به‌روز شده است که همگی مبتنی بر حقوق عرفی است. این اصول در موارد متعددی از جمله در قضایای کانال کورفو، نیکاراگوئه و سکوها‌های نفتی، توسط دیوان بین‌المللی دادگستری تقویت و تصدیق شده است (سیفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۶-۶۵). در بحث مین‌گذاری سان‌رمو تلاش کرده است قواعد حقوق دریاهای و قلمروهای دریایی را مدنظر قرار دهد و اشعار می‌دارد مین‌گذاری، باید به‌گونه‌ای انجام شود که دسترسی کشتی‌های بی‌طرف به دریای آزاد را امکان‌پذیر سازند و مسیریایی که از تنگه‌های بین‌المللی و خطوط دریایی مجمع‌الجزایری می‌گذرند را باز نگاه دارند (San Remo Manual, para. 81-89).

دستورالعمل سان‌رمو اصول بنیادین حقوق بشردوستانه را که ماهیت عرفی دارد، مورد پذیرش و تأکید قرار داده است. اصول اساسی ضرورت نظامی، انسانیت، تمایز و تناسب و قواعد

1. UN Doc. A/HRC/15/21, para 35, 27 September 2010

2. A/HRC/15/21, para 51-52

3. Report of the Public Commission to Examine the Maritime Incident of 31 May 2010

4. Report on the Israeli Attack on the Humanitarian Aid Convey to Gaza on 31 May 2010 - 11 February 2011

5. Report of the Secretary General's Panel of Inquiry on the 31 May 2010 Flotilla Incident, September 2011; A/HRC/15/21, 27September2010

مربوط به اقدامات احتیاطی در حمله به طور قطع در دریا همانند سایر نقاط اعمال می‌شود (Haines, 2016: 445). اصل تفکیک که به‌عنوان یک قاعده عرفی است در بندهای ۱۱، ۲۲ و ۳۱ اصول راهنمای سانرمو مدنظر قرار گرفته شده است. همچنین اصل اتخاذ اقدام‌های احتیاطی که برگرفته از مواد ۷۸ و ۵۸ پروتکل الحاقی اول است در بند ۴۶ اصول راهنمای سانرمو، با تفصیل و دقت بیشتر مورد تأکید واقع شده است.

علاوه بر این، راهنمای سانرمو قواعد عرفی مربوط به حقوق بی‌طرفی را همانند گذشته مورد تأکید قرار داده است. اما نکته مهم تأثیرپذیری حقوق بی‌طرفی دریایی از کنوانسیون حقوق دریاها است. در واقع امروزه، رژیم حقوق دریاها و رویه دولت‌ها نیز ضرورت مدرن‌سازی قواعد خاص بی‌طرفی را ایجاد کرده‌اند. راهنمای سانرمو تلاش داشته است تا با تعریف آب‌های بی-طرف این تغییر را مورد توجه قرار دهد و آب‌های داخلی، دریای سرزمینی، یا آب‌های مجمع-الجزایری را به‌عنوان آب‌های یک کشور تعریف کرده است (San Remo Manual, paras.14-15). به‌طور مرسوم، عملیات دریایی متخاصمین در مناطق تحت سلطه دولت‌های ساحلی بی‌طرف ممنوع بوده و صرفاً رعایت و احترام به حقوق و منافع دولت‌های ساحلی منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره، بایستی توسط متخاصمین مورد توجه قرار بگیرد (Klein, 2011:287).

در خصوص دریاهای آزاد و بستر دریاها در ماورای صلاحیت دولت‌ها نیز اصول راهنمای سانرمو بیان می‌دارد که اقدام‌های خصمانه در دریاهای آزاد باید با توجه کافی به اعمال حقوق دول بی‌طرف در اکتشاف و استخراج منابع طبیعی بستر دریا، کف اقیانوس‌ها و زیر بستر آن‌ها در ماورای صلاحیت ملی انجام گیرد (San Remo Manual, para.36). متخاصمان باید مراقب باشند که از ایراد خسارت به کابل‌ها، خطوط لوله مستقر در کف دریاها که منحصرأ متعلق به متخاصمان نیستند، دوری کنند (San Remo Manual: para.37؛ حسینی آزاد، آجلی لاهیجی، زحمتکش، ۱۳۹۹: ۱۴۱۳).

### فرجام سخن

نظام حقوق جنگ دریایی نیز بسان دیگر نظام‌های حقوقی بین‌المللی مبنی بر عدم وجود نهاد و اقتدار برتر و عدم وجود رکنی تقنینی و اجرایی و نظام قضایی با صلاحیت اجباری برای

حل و فصل اختلافات بین‌المللی است. اما نظامی ایستا نبوده و همواره در حال پویایی و تحول است. از این رو تغییر و تحولات ناشی از فعالیت‌های بشری در توسعه فن‌آوری‌های نوین و همچنین تغییرات ناشی از اسناد بین‌المللی از قبیل کنوانسیون حقوق دریاها، شرایطی ایجاد کرده که با خلأهایی در این حوزه از حقوق مواجه شویم که نیازمند قاعده‌مند شدن توسط حقوق بین‌الملل هستند. یکی از شیوه‌های این قاعده‌مندی توسط به دستورالعمل‌های تدوین شده توسط مؤسسات تحقیقاتی حقوق بین‌الملل است که حقوق جنگ دریایی از این قاعده مستثنا نبوده است.

معمولاً، دستورالعمل‌هایی از قبیل دستورالعمل آکسفورد یا دستورالعمل سان‌رمو و اصول هلسینکی<sup>۱</sup> منابع رسمی حقوق نیستند، اما به وسیله کارشناسان حقوقی آماده شده‌اند و به‌طور کلی انعکاس‌دهنده رویه دولت‌ها در زمان ایجاد آن‌ها است. چنانچه آن‌ها ترکیب و تحلیلی از عرف و معاهدات هستند که توضیحی مختصر و شفاف از قواعد حقوقی را فراهم کرده‌اند. بنابراین، محتوای دستورالعمل سان‌رمو ترکیبی از حقوق نرم و حقوق سخت، آن هم در غالب حقوق بین‌الملل عرفی است.

دستورالعمل سان‌رمو حوزه اصطلاح حقوق جنگ دریایی را در برخی زمینه‌ها توسعه داده یا حداقل شفاف‌سازی کرده است. اصطلاح حقوق جنگ دریایی در سان‌رمو مورد بازنگری قرار گرفته و تا حدودی تعدیل شده است، به گونه‌ای که جنگ دریایی را نه صرفاً به جنگ کشتی علیه کشتی، بلکه همچنین به عملیات کشتی علیه هوا و هوا علیه کشتی، شامل استفاده از موشک، بعلاوه اقدام‌هایی از قبیل غنیمت‌گیری و حمایت از کشتی‌های تجاری، هواپیما و اهداف اشخاص در دریا، هوا و بر روی زمین کرده است. اما علیرغم اینکه سان‌رمو پیشرفت‌های بسیاری در حوزه حقوق جنگ دریایی داشته و در برخی از زمینه‌ها دارای قواعد کافی بوده و شاید نوآوری هم داشته است اما از تحولاتی که در عرصه فناوری‌ها و روش‌های نوین دریایی که کشورهای مختلف تمایل به کارگیری آن‌ها در عرصه نظامی داشته غافل بوده و از ضعف‌های قابل توجهی برخوردار است. نمونه این امر آن است که دستورالعمل سان‌رمو مباحث زیادی از کنش و واکنش جنگ هوایی و دریایی را مورد خطاب قرار داده که تا قبل از آن زیاد مورد توجه کنوانسیون‌های

1. Helsinki principles on the law of maritime Neutrality, ILA Conference, Report 68, 1998.



قبل واقع نشده بود. اما هنوز در مورد به کارگیری فناوری‌ها و روش‌های نوین دریایی از قبیل پهپاد، موشک و اژدر در دریا دارای قواعد کافی نیست. در برخی از زمینه‌ها نیز قواعد آن دارای ابهام است. ابهام در مقررات دستورالعمل می‌تواند دلیلی بر این فرض باشد که حقوق جنگ دریایی در آن زمینه هنوز هم تا حدودی مغفول مانده است.

درنهایت، در حالی که دستورالعمل سانرمو از لحاظ حقوقی سندی غیر الزام‌آور است، اما در جریان محاصره دریایی غزه، بارها مورد استناد ترکیه، رژیم اشغالگر قدس و گزارشگرهای ویژه شورای حقوق بشر قرار گرفت. با این وجود، بازنگری دستورالعمل سانرمو توسط مؤسسه حقوق بین‌الملل بشردوستانه سانرمو با همکاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سایر نهادهای دولتی و غیردولتی مثل دیده‌بان حقوق بشر و حقوقدانان برجسته و کارشناسان با امان نظر به موضوعات جدیدی از قبیل وسایل بدون سرنشین سطحی و زیرسطحی، وسایل بدون سرنشین هوایی، موشک‌ها و اژدرهای دریایی، جنگ الکترونیک در دریا و جنگ سایبر در دریا ضروری به نظر می‌رسد.

## منابع

### الف. فارسی

حسینی آزاد، سید علی، آجلی لاهیجی، مهشید، زحمتکش، مجید (۱۳۹۹) «ژنو تا سانرمو: تحولات حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه دریایی»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۵۰، شماره ۴، صص ۱۴۰۱-۱۴۲۱.

رضوانی، محمد (۱۳۹۱) **قوانین حقوقی و حقوق محیط‌زیست**، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

سیفی، بهزاد و همکاران (۱۳۹۶) «چالش‌های حقوق حاکم بر استفاده از مین در جنگ‌های دریایی در پرتو فناوری‌ها و روش‌های جدید»، **فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری**، دوره ۱۳، شماره ۳۴، صص ۴۹-۸۸.

سیفی، بهزاد و همکاران (۱۳۹۷) «مشروعیت به کارگیری فناوری مین‌های دریایی در زمان صلح، با تأکید بر آموزش قواعد کنوانسیون حقوق دریاها»، **فصلنامه علمی پژوهشی آموزش علوم دریایی**، دوره ۵، شماره ۱۵، صص ۱۴۶-۱۶۳.

سیفی، بهزاد، شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۸) «ضرورت آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه (دریایی) در نیروهای مسلح با تأکید بر کارکنان نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه علمی پژوهشی آموزش علوم دریایی**، دوره ۶، شماره ۱۹، صص ۶۸-۸۵.

سیفی، بهزاد، مجدفر، سهراب (۱۳۹۹) «بررسی روش‌ها و فن‌آوری‌های جنگ دریایی از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، **فصلنامه علمی علوم و فناوری دریا**، دوره ۲۴، شماره ۹۳، صص ۳۹-۵۳.

شهبازی، آرامش، حاجی پور، زهرا (۱۳۹۷) «جایگاه دکترین در منابع حقوق بین‌الملل معاصر»، **فصلنامه علمی پژوهشی تعالی حقوق**، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۵۴-۱۸۹.

فان‌هینگ، ولف‌هینشل (۱۳۸۷) «حقوق مخاصمه مسلحانه در دریا»، ترجمه سید قاسم زمانی، ویراسته دیتر فلک، تهران: انتشارات شهر دانش.

سیفی، هدایت الله (۱۳۹۰) **صلح جاویدان و حکومت قانون دیالکتیک همانندی و تفاوت**، چاپ اول، تهران: فرهنگ نشر نو.

کسسه، آنتونیو (۱۳۸۸) **حقوق بین‌الملل**، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

گرین‌وود، کریستوفر (۱۳۸۷) **سیر تحول تاریخی و مبنای حقوق بشردوستانه**، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، ویراسته دیتر فلک، تهران: انتشارات شهر دانش.

عسکری، پوریا (۱۳۹۲) «محاصره در حقوق جنگ دریایی: مطالعه موردی محاصره دریایی باریکه غزه بر مبنای گزارش کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر»، **مجموعه مقالات همایش تحولات حقوق بین‌الملل دریاها**، تهران: انتشارات گنج دانش.

ممتاز، جمشید، شایگان، فریده (۱۳۹۲) «انطباق محاصره دریایی غزه از سوی اسرائیل با حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، **مجموعه مقالات همایش تحولات حقوق بین‌الملل دریاها**، تهران: انتشارات گنج دانش.

## ب. انگلیسی

- Andersson, Cecilia (2014) **Killer Robots, Autonomous Weapons and Their Compliance with IHL**, *JURM02*. Graduate Thesis, Master of Laws program 30 higher education credits Supervisor: Markus Gunneflo Semester: VT.
- Bastien, Jean Yves, CD, MVO (2002) “International Maritime Law & Blockades Is the 1995 San Remo Manual: Dead in the Water?” **Canadian Forces College AMSC 6**, pp.1-33.
- Drew, Phillip Jeffrey (2012) **An Analysis of the Legality of Maritime Blockade in the Context of Twenty-First Century Humanitarian Law**, A thesis Degree of Master of Laws, Queen’s University Kingston, Ontario, Canada.
- Doswald-Beck, Louise (1995) “San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflict at Sea ” **International Review of The Red Cross**, Vol. 35, No. 309, pp.583-594.
- Erickson, Jennifer L. (2016) “International Law and the Great War”, **Tulsa Law Review**, Vol. 51, Issue 2, pp.521-530.
- Guilfoyle, Douglas (2005) “The Proliferation Security Initiative: Interdicting Vessels In International Waters To Prevent The Spread Of Weapons Of Mass Destruction?” **Melbourne University Law Review**, Vol. 29, No. 3, pp.733-764.
- Gagioli, Gloria (2019) **From Land, to Sea, to Air – from the Trenches to the City: International Humanitarian Law and The Changing Realities in the Conduct of Hostilities During The Past Century**, Whither the Human in Armed Conflict? IHL Implications of New Technology in Warfare, 42nd Round Table on Current Issues of International Humanitarian Law, Editor Gabriella Venturini, Gian Luca Beruto, International Institute of Humanitarian Law, Sanremo.
- Haines, Steven (2016) “War at Sea: 19th Century Laws for 21st Century Wars?” **International Review of the Red Cross**, Vol. 98, No. 902, pp. 420-427.
- Heinegg, Von Wolff Heintschel (2006) “The Current State of The Law of Naval Warfare: A Fresh Look at the San Remo Manual”

- International Law Studies**, Vol. 82, No. 1, pp. 269-296.
- Jonsson, Niklas Bergdahl (2008) **Legal Issues on Self-Defense and Maritime Zones in Naval Operations**, Master thesis, Faculty of Law, University of Lund.
- Jurídicas, Ciencias (2010) **Naval War and its International Legal Regulations**, Juan Manuel Portilla Gómez.
- Kalshoven, Frits (2011) **Constraints on the Waging of War: An Introduction to International Humanitarian Law**, Cambridge University Press. International Committee of the Red Cross.
- Klein, Natalie (2011) **Maritime Security and The Law The Sea**, Oxford University Press.
- Letts, David (2014) "Beyond Hague VIII: Other Legal Limits on Naval Mine Warfare", **International Law Studies**, Vol. 90, No. 1, pp.446-474.
- Lewis, John (2015) "The Case for Regulating Fully Autonomous Weapons", **The Yale Law Journal**, Vol. 124, No. 4, 1309-1325.
- Melzer, Nils, Etienne Kuster (2016) **International Humanitarian Law Comprehensive Introduction**, International Committee of the Red Cross 19, avenue de la Paix 1202 Geneva, Switzerland.
- McLaughlin, Robert, Nasu, Hitoshi (2014) **Introduction: Conundrum of New Technologies in the Law of Armed Conflict**, New Technologies and the Law of Armed Conflict, Editors: Hitoshi Nasu, Robert McLaughlin, The ANU College of Law Australian National University Canberra, ACT Australia, Springer.
- Mundis, Daryl A. (May 2008) **The Law of Naval Exclusion Zones**, A Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy, University of London The London School of Economics and Political Science Law Department.
- Narwati, Enny, MH, SH. (2008) "Aturan Perang Di Laut: San Remo Manual Sebagai Sumber Hukum Internasional", **Mimbar Hukum**, Vol. 20, No. 3, pp.443-457.
- Sassoli, Marco, Anne, Quintin (2014) "Active and Passive Precautions in Air and Missile Warfare", **Israel Yearbook on Human Rights**, Vol. 44.

- Sassòli, Marco, Bouvier, Antoine A., Quintin, Anne (2010) **Chapter 10: The Law of Naval Warfare, in War? How Does Law Protect**, Cases, Documents and Teaching Materials on Contemporary Practice in International Humanitarian Law, Volume I, Outline of International Humanitarian Law, Third Edition.
- Sergis, Panagiotis (2014) **War Crimes During Armed Conflicts at Sea**, in: Centre for Studies and Research in International Law and International Relations, Brill, Nijhoff, Leiden, Boston.
- Verschuren, Sanne (2012 – 2013) **The Development of Unmanned Weapons and the Challenges for International Law**, Master thesis, Universiteit Gent Academiejaar.
- Williams, Simon O. (2014) **Assessing State Jurisdiction and Industry Regulation over Private Maritime Security An International and Comparative Regulatory Review**, Master thesis in Law of the Sea, Faculty of Law, The Arctic University of Norway.

### **Documents**

- Helsinki principles on the law of maritime Neutrality, ILA Conference, Report 68, 1998.
- Manual of the Laws of Naval War, Oxford, Adopted by the International Institute of International Law, August 9, 1913.
- Manual on International Law Applicable to Air and Missile Warfare, Program on Humanitarian Policy and Conflict Research at Harvard University, Bern, 15 May 2009,
- The San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflicts at Sea, 12 June 1994.
- Tallinn Manual on the International Law Applicable to Cyber Warfare 2013
- The Manual Humanitarian Law in Armed Conflicts, edited by The Federal Ministry of Defence of the Federal Republic of Germany VR II 3, August 1992: ZDV 2/15.

## Reports

San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflicts at Sea, 12 June 1994: <https://ihl-databases.icrc.org/ihl/INTRO/560?OpenDocument>

Report of the international mission to investigate violations of international law, including international humanitarian and human rights law, resulting from the Israeli attacks on the flotilla of ships carrying humanitarian assistance, UN Doc. A/HRC/15/21, para 35, 27 September 2010.

Report of the Public Commission to Examine the Maritime Incident of 31 May 2010 (The Turkel Commission Report), available at: [www.turkelcommittee.gov.il/files.wordocs.8808report\\_eng.pdf](http://www.turkelcommittee.gov.il/files.wordocs.8808report_eng.pdf) (11 March 2014).

Report of the Secretary General's Panel of Inquiry on the 31 May 2010 Flotilla Incident, September 2011.

The Turkish National Commission of Inquiry. Report on the Israeli Attack on the Humanitarian Aid Convey to Gaza on 31 May 2010 - 11 February 2011, available at: "<http://www.google.com/>"\l "q" (24 February 2012).

The Commander's Handbook on the Law of Naval Operations, U.S. Navy NWP 114M, U.S. Marine Corps MCWP 5-12.1, U.S. Coast Guard COMDTPUB P5800.7A, 2007.